

# نقش دشتی در تاریخ و ادب معاصر ایران

نقد حال و آثار او  
به ضمیمه خاطراتی از صاحب‌نظران

تألیف: دکتر مهدی ماحوزی



انتشارات زوار

تقدیم به :

## خامهٔ جادوگر و نامهٔ افسونگرشن

به:

- ملت بزرگ و ادب پرور ایران
- مردم غیور دیار حماسه آفرین دشتی، دشتستان و تنگستان
- بزرگان و اعضای خاندان

یاد بود نامهٔ بیستمین سال در گذشت دشتی

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۷	..... مقدمه
۱۰	..... دشتی در تاریخ و ادب معاصر ایران
	..... نقد حال و آثار او
۱۸	..... آثار دشتی
۲۰	..... کتابشناسی مقاله‌های مربوط به آثار دشتی
۲۰	..... فهرست مقاله‌های مربوط به نقشی از حافظ
۲۱	..... فهرست مقاله‌های مربوط به «سیری در دیوان شمس»
۲۲	..... فهرست مقاله‌های مربوط به «قلمر و سعدی»
۲۳	..... فهرست مقاله‌های مربوط به «شاعری دیر آشنا - خاقانی شروانی»
۲۴	..... فهرست مقاله‌های مربوط به «دمی با خیام»
۲۵	..... فهرست مقاله‌هایی از دشتی مندرج در دوره‌های مجله ادبی یغما
۲۷	..... دشتی در قلمرو نشر فارسی
۲۹	..... نظر سیاسی
۳۰	..... نمونه‌ای از یادداشت‌های سیاسی
۳۵	..... خاطرات سیاسی
۳۵	..... نظر خاطره نویسی
۳۷	..... نظر توصیفی، بانمونه‌ای از کتاب «سایه»
۴۳	..... نظر توصیفی، از کتاب سیری در دیوان شمس.
۴۷	..... نظر تحلیلی و انتقادی
۴۷	..... نمونه نظر تحلیلی و انتقادی از کتاب نقشی از حافظ
۵۲	..... نمونه‌ای تحلیلی و انتقادی از کتاب «کاخ ابداع» در معرفی اندیشه حافظ
۵۵	..... نمونه‌ای تحلیلی و انتقادی از کتاب «دمی با خیام»
۶۰	..... نمونه‌ای تحلیلی و انتقادی از کتاب «قلمر و سعدی»
۸۸	..... نمونه‌ای تحلیلی و انتقادی از کتاب «خاقانی شاعری دیر آشنا»
۱۰۳	..... نمونه‌ای تحلیلی و انتقادی از کتاب «نگاهی به صائب»
۱۱۲	..... نمونه‌ای تحلیلی و انتقادی از کتاب عقلا بر خلاف عقل
۱۲۶	..... نمونه‌ای از نظر تحلیلی، انتقادی از کتاب «پرده پندار»
۱۳۴	..... نمونه‌ای تحلیلی و انتقادی از کتاب «در دیار صوفیان»
۱۵۳	..... نمونه‌ای از نظر تحلیلی و انتقادی از کتاب «تصویری از ناصر خسرو»

۱۶۷	نشر داستانی .....	نثر داستانی .....
۱۶۷	مرگ مادر .....	مرگ مادر .....
۱۷۳	نشر خاطره نویسی با نمونه هایی از دو کتاب «پنجاه و پنج» و «عوامل سقوط» .....	نشر خاطره نویسی با نمونه هایی از دو کتاب «پنجاه و پنج» و «عوامل سقوط» .....
۱۹۱	نشر ترجمه‌ای .....	نشر ترجمه‌ای .....
۱۹۲	نمونه‌ای از نشر ترجمه‌ای «اعتماد به نفس» .....	نمونه‌ای از نشر ترجمه‌ای «اعتماد به نفس» .....
۱۹۷	رأی صاحب نظران درباره دشته و آثار او .....	رأی صاحب نظران درباره دشته و آثار او .....
۱۹۹	رهی معیری - استاد بدیع الزمان فروزانفر - دکتر صورتگر .....	رهی معیری - استاد بدیع الزمان فروزانفر - دکتر صورتگر .....
۲۰۰	دکتر محقق .....	دکتر محقق .....
۲۰۱	استاد جلال همایی - محمد سعیدی .....	استاد جلال همایی - محمد سعیدی .....
۲۰۲	محمد حسین جلیلی کرمانشاهی .....	محمد حسین جلیلی کرمانشاهی .....
۲۰۳	امیری فیروز کوهی .....	امیری فیروز کوهی .....
۲۰۴	انجوي شيرازى .....	انجوي شيرازى .....
۲۰۵	دکتر رحمت مصطفوی .....	دکتر رحمت مصطفوی .....
۲۰۶	احمد شهیدی .....	احمد شهیدی .....
۲۰۷	دکتر رعدی آذرخشی .....	دکتر رعدی آذرخشی .....
	محمود فرخ - دکتر رعدی آذرخشی	
	ابراهیم صهبا -	
۲۰۸	دکتر محمد شاهکار - نجفقلی پسیان .....	دکتر محمد شاهکار - نجفقلی پسیان .....
۲۰۹	دکتر سادات ناصری - حسین رامتین .....	دکتر سادات ناصری - حسین رامتین .....
۲۱۰	مهندس گنجه‌ای .....	مهندس گنجه‌ای .....
۲۱۱	پروین گنابادی .....	پروین گنابادی .....
۲۱۳	حسن شهباز .....	حسن شهباز .....
۲۱۶	ساعد مراغه‌ای - تقی زاده و مسئله اراضی کشاورزی .....	ساعد مراغه‌ای - تقی زاده و مسئله اراضی کشاورزی .....
۲۱۷	دکتر امین ریاحی - سادات ناصری - امیری فیروز کوهی .....	دکتر امین ریاحی - سادات ناصری - امیری فیروز کوهی .....
۲۱۸	انجوي شيرازى - رهی معیری .....	انجوي شيرازى - رهی معیری .....
۲۱۹	حبيب یغمایی .....	حبيب یغمایی .....
۲۲۰	جلال همایی .....	جلال همایی .....
۲۲۱	یحیی خشّاب .....	یحیی خشّاب .....
۲۲۲	الول ساتن .....	الول ساتن .....
۲۲۳	دکتر محمد محمدی .....	دکتر محمد محمدی .....
۲۲۵	دشتی و ادبیات فرنگ: محمد دهقانی (رساله دوره دکتری) .....	دشتی و ادبیات فرنگ: محمد دهقانی (رساله دوره دکتری) .....
۲۳۲	نقدي بر داستان‌های دشتی: شعبان محمد قلی زاده .....	نقدي بر داستان‌های دشتی: شعبان محمد قلی زاده .....

دشتی و علی اکبر سعیدی .....	۲۳۷
استاد جلال همایی .....	۲۴۵
پاسخی از سر درد به مقاله یک نماینده مجلس شورای ملی سابق .....	۲۴۵
دشتی و ایرج افشار .....	۲۴۶
شاهکاری منظوم از کاظم پزشکی در قضیه ترور حسنعلی منصور .....	۲۴۸
نطق دشتی و قضیه تصویب چاپ لغت نامه دهخدا .....	۲۵۳
در مجلس شورای ملی سابق .....	
دکتر غلامحسین صدیقی .....	۲۵۴
دشتی و نصرالله فلسفی .....	۲۵۷
دشتی و صادق سرمد .....	۲۶۰
دشتی و رشید یاسمی .....	۲۶۱
دو خطیب نامبردار: راشد و فلسفی .....	۲۶۲
حاطره سفر اتریش (از نگارنده) .....	۲۶۳
چند پرسش و پاسخ میان نگارنده و دشتی در سفر به اتریش .....	۲۶۶
دشتی و دفاع او از کیان زبان فارسی .....	۲۷۳
خواب نامه: دکتر مظاہر مصطفاً .....	۲۷۷
چکامه‌ای در رثای دکتر غلامحسین صدیقی: دکتر مظاہر مصطفاً .....	۲۸۰
دشتی و یحیا آرین پور (برگرفته از کتاب «از نیما تا روزگارما») .....	۲۸۱
نوشته علی دشتی در پاسخ کتاب انتشار یافته از سوی «یونسکو»، باعنوان: «هیچ مسلمانی در مسألهٔ وحی شک نکرده است» .....	۲۹۶
دشتی و میرزاده عشقی .....	۳۰۴
دکتر مهدی حمیدی و دشتی - مرگ نرگس .....	۳۰۵
دکتر غلامحسین یوسفی و دشتی .....	۳۰۷
دشتی و بدیع الزمان فروزانفر .....	۳۰۸
در جست و جوی مجھول .....	۳۱۱
سروده‌هایی در رثای دشتی: دکتر رعدی-نگارنده- صهبا- ابوالقاسم حالت .....	۳۱۷
فهرست منابع و مأخذ .....	۳۲۷
اعلام عام .....	۳۳۱

از همه تعظیم و ستایش تراست  
مدحت و تکریم و نیایش تراست

مقدمه

«دشتی» در تاریخ و ادب معاصر ایران و نقد حال و آثار او کتابی است که اینک در پیش روی دارد.

از سال ۱۳۵۰ نگارنده طرح چنین کتابی را در ذهن داشت و معتقد بود برای شناخت صاحبان قلم و آنان که در عرصه تاریخ، فرهنگ و ادب معاصر از رهگذر نشر روزنامه، مجله، تألیف و ترجمه نقشی ایفا کرده‌اند، می‌بایست نقدی صورت گیرد و زوایای گوناگون زندگی و آثار وجودی آنان تحلیل شود.

من خود اعتراف می‌کنم که دست زدن به چنین کار خطیری چندان آسان نیست. حبّ و بعض و برداشت‌های یکسویه و داوری‌های نامتعادل و ناموزون اجازه نداده است تا چهره واقعی اهل قلم و نامبی‌داران تاریخ، فرهنگ و ادب معاصر و نقشی که در خلال زندگی ایفا کرده‌اند، به نیکی شناخته آید.

دگرگونی‌های سریع تاریخی و تغییرات پی در پی حکومت‌ها و احزاب، فرصلت کافی بدست نداده است، تا میزان و کیفیت تأثیر پذیری اهل قلم از تحولات سیاسی جهان و بویژه تلقی آنها از دیانت، آزادی و آزادگی واستقلال یا خود باختگی و سلطه پذیری و سنتیز با دین، اخلاق، ملت و کشور و اصول آزادگی و مردم‌تی یا چیزی میان این دو خصلت، تبیین و تحلیل شود.

نتیجه این می‌شود که نویسنده، مورخ، ادیب یا یک شخصیت سیاسی را در بست خائن یا خادم بنامیم و به حقیقت، رشتی را زشتی و زیبائی را زیبائی نشناسیم و اصل شریف «کُل امیریء بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةً» را به فراموشی سپاریم.

تعیین میزانی دقیق و جامع الاطراف برای تشخیص خدمت از خیانت کاری است

بس دشوار، بويزه در مورد اهل قلم، موّرخان و دانشمندان جامعه.

در اين ميان با توجه به همه علل و اسباب، شرایط اجتماعی، تراحمات سیاسی و مقتضیات بين المللی و نوع حکومت، برخی را دقیقاً می‌توان خادم خواند و برخی را خائن. اینان کسانی هستند که در عرصهٔ تاریخ و ادب معاصر بیشتر روشنی و زیبایی آفریده‌اند یا بیشتر زشتی و تاریکی.

در بستر حوادث روزگار همه مشمول «الاَّ الَّذِينَ آمْنُوا» یا همه موضوع «لَفِي حُسْرٍ» نیستند. باید کار نامه آنان را با دقّت و بیرون از حُبّ و بغض بررسی و تحلیل کرد و با دیدی روشن و شیوه‌ای متین داوری نمود.

مولانا جلال الدین محمد می‌گوید:

عدل چبود؟ وضع اندرموضعش

ظلم چبود؟ وضع در ناموضعش

امروز مانی و بودا را مصلح و متفکّر می‌گویند و حال آن که تا دیر زمانی از زندیقان و ماحداشان بر می‌شمردند. چگونه می‌توان مرحوم ذکاء الملک فروغی یا ملک الشعرا بهار را از ناسرگان شمرد؟!

روزی که طوفان سهمگین حزب توده بر ایران و بسی از کشورهای جهان وزیدن گرفت، برخی از نخبگان جامعه فریب خوردن و پنداشتن، نسیم رهائی وزیدن گرفته است. دیری نگذشت که برخی طوفان را از نسیم باز شناختند و عافیت را باز یافتند. در میان ادبیان معاصر، برخی شیفتۀ اندیشه غربیان شدند و هر سخنی از ادبیان یا نامبرداران غرب را معيار فضیلت و دانش شناختند و از آبشخور فرهنگ، عرفان و ادب ایرانی و اسلامی بی نصیب ماندند.

از آن میان برخی از نیمه راه بازگشتن، آنچه را که زیبا و بدیع بود از فرهنگ و ادب و دانش غرب برگزیدند و با فرهنگ و ادب خویش در آمیختند و آثاری ارجمند در ادب معاصر پدید آورند.

ملّتی سرافراز است که راه اصلاح را برای فرزندان مستعد خویش بازگزارد و با تسامحی ممدوح نه مذموم و چشم پوشی از لغزش‌های مختصر، بدانها فرصت ابداع و خلاقیت و بازگشت به خویشتن خویش ارزانی دارد «رئیس قافله راهم تغافلی باید».

حافظ  
چو پردهدار به شمشیر می‌زند همه را  
کسی مقیم حریم حرم نخواهد ماند  
افراط و تفریط در اداره اجتماع، زیان‌هایی غیر قابل جبران بیار می‌آورد. آنچه امروز  
در کشور همسایه ما «افغانستان» می‌گذرد، از این خصیصه سرچشمه می‌گیرد. اسرائیل  
از این رهگذر جان سالم بدر نخواهد برد.

سعدی  
درشتی و نرمی به هم در به است  
چو فاصلد که جراح و مرهم نه است  
درشتی نه گیرد خردمند پیش  
نه سستی، که ناقص کند قدر خویش

اما با همه این دشواری‌ها و مضائق تاریخی، امروز زمان آن فرا رسیده است که  
نگارنده بدین کارستگ مبادرت کند و کارنامه مردی را رقم زند که قلم وی بیش از ۶۰  
سال بر تاریخ و ادب معاصر ایران اثر گذاشته و علاوه بر انتشار ۱۳ سال روزنامه شفق  
سرخ و بسی مقاله گرانمایه و خطابه ماندگار، بیش از ۲۰ تألیف و ترجمه به ساحت  
تاریخ، فرهنگ و ادب ایران تقدیم کرده است.

با این همه علی دشتنی که موضوع این تألیف است، برای نسل امروز و آینده کشور  
بزرگ و عزیز ما ایران آن چنان که باید، معرفی نشده است.

از تیرماه ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۰ دی ماه که سالروز درگذشت دشتنی است، او در ایران  
زندگی کرد و در این فرصت، کتابی کم حجم، لیکن پر محتوا و تاریخی - که در شناخت  
دوران پهلوی بسی مغتنم است - به حواش نگارنده در سن نودسالگی (با همه  
شکنندگی دوران پیشی) نگاشت. این اثر که طبیعتاً به حکم سالخورده‌ی، افزونی،  
کاستی، تقدم و تأخیر و گستاخی در آن راه یافته است، پس از بازنگری و بررسی دقیق،  
بر حسب تقدم تاریخی بازنویسی شد.

امید است این اثر ۲۰۰ صفحه‌ای همراه با خاطرات دوران سفارت مصر و لبنان  
بزودی انتشار یابد و گوششه هایی از تاریخ معاصر ایران برای دانش پژوهان امروز و آینده  
کشور شناخته آید.

دشتنی با مقاله‌ای که علیه قرارداد شوم ۱۹۱۹ و ثوق الدوله نوشت، ناخواسته وارد  
عرصه سیاست شد. سپس به جهان مطبوعات گام نهاد و در ۱۱ اسفندماه ۱۳۰۰  
روزنامه «شفق سرخ» را تاسیس کرد. این روزنامه ۱۳ سال فرست انتشار یافت.

شفق سرخ تتها روزنامه که محدود به مسائل جاری و اخبار ایران و جهان بیاشد، نیست، بلکه یک دوره ادبی و فرهنگی است و بویژه سرمهالهای آن از نمونه های فاخر یک ثر سیاسی، ادبی و اجتماعی است و نمونه های آن را در جای خود می توان ملاحظه کرد.

کتاب «ایام محبس» که شرح حوادث زندان های سیاسی و ایام تبعید او در دوران حکومت پهلوی اول است، توانایی وی را در قلمرو نویسنده بخوبی نشان داد. این اثر نخست در پاورقی روزنامه شفق سرخ منتشر یافت.

از آنجاکه دشتی در کربلا متولد شده و پرورش یافته بود، زبان عربی را چون زبان مادری بخوبی می دانست. پس از تبعید به فرانسه و آشنایی او با زبان و ادبیات فرانسوی، کتاب هایی چون اعتماد به نفس، تطور ملل و سرفتوق آنگلو ساکسن از متن فرانسوی یا عربی ترجمه کرد. چاپ های متعدد از این آثار، نشان دهنده جایگاه ویژه او در جامعه آن روز ایران است.

دشتی در عرصه داستان نویسی نیز توانایی خود را نشان داد و سه اثر از او با چاپ های متعدد منتشر یافت: فتنه - جادو - هندو.

برخی از مباحث این سه اثر «رمان» یا داستان است که در معرفی زنان «محفلی تهران» نگاشته آمده است و از آثار دوران جوانی نویسنده است.

دشتی تحت تاثیر نویسنده گان فرنگ به نوشتن رمان روی آورد و در آن زمان کسانی چون بزرگ علوی، حجازی و صادق هدایت به نشر چنین رمان هایی مبادرت کرده بودند.

برخی از صاحبنظران، این رمانها را با خوبی خانوادگی دشتی و منش او متناسب نیافته، زبان به انقاد گشودند و تجرد وی را تا آخر عمر موجبی برای انشای آن رمانها دانستند، لیکن با گرایش دشتی به تحلیل مباحث عرفانی و ادبی در دوران پختگی، با خرسندي تمام به نقد آن آثار پرداختند و از «مامضی» در گذشتند. سایر مباحث که جنبه ادبی، هنری و توصیفی دارد، از نمونه های نادر نشر ادبی محسوب می شود.

ایرادی دیگر که از نقطه نظر ادبی متوجه این نشر است، آوردن واژه های عربی و گاهی فرنگی است که در آثار بعدی نویسنده به دقت تعدیل شده است. حقیقت این است که دشتی در عرصه ادب هرگز در یک نقطه متوقف نشده و

پیوسته راه کمال پیموده است. نقشی که دشتی از خیام، غزالی، خاقانی، مولانا، سعدی، حافظ، صائب، صوفیان و عارفان نشان داده و تحولی که در ادبیات تطبیقی پدید آورده است، به عقیده نخبگان تاریخ فرهنگ و ادب ایران، کم همانند است.

ایمان راستین، دیدی روشن، اندیشه‌ای فراگیر و اعتدال و انصاف شایسته تحسین پشتونه این آثار است و چنین کار بزرگی از او که جز در حوزه علمیه نجف، در هیچ حوزه رسمی علمی و ادبی درس نخوانده است، شگفت‌انگیز می‌نماید.

رأی صاحب‌نظران درباره آثار دشتی، فصلی بزرگ در نقد ادبی گشوده و صفحات جریده‌ها و مجله‌های نیم قرن اخیر در برگیرنده بسی از ملاحظات ارباب نظر است. نمونه‌هایی از این نقدها و ملاحظات را در این اثر می‌توان دید.

حتی نوشته‌ها و خاطرات سیاسی دشتی، از نوعی انصاف و داوری خردمندانه بهره‌مند است.

نامه‌هایی که برکنار از جنجال‌های سیاسی و خودنمایی‌ها به شخص شاه در مورد ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌های کشور نگاشته است و متاسفانه گوشی شنوا نیافته است کم نیست. تقدم سن و سالخوردگی و افسردگی دوران پیری دیگر بدرو اجازه مبارزه نمی‌داد و می‌پنداشت با مبارزه قلمی وظیفه خود را ایفا کرده است.

از نقطه نظر سیاسی، دشتی هرگز در هیچ حزبی عضویت نداشت. از رجال معاصر او از نادر کسانی است که نام وی در هیچ حزب و گروه سیاسی داخلی و خارجی دیده نشده و در دفاع از کیان کشور و ایستادگی در برابر ناهنجاری‌ها از هیچ کوششی دریغ نکرده است. نامه منتقدانه او در باب حزب رستاخیز به شاه از آن جمله است. در مورد مسئله کاپیتو لاسیون، نطق دشتی در مجلس، چنان شوری آفرید که در تاریخ نطق‌های سیاسی کم همانند است.

در مجلس طی نطقی از حقوق مرحوم دهخدا دفاع کرد و نگذاشت به حقوق او تجاوز شود. این نطق در مقدمه لغت نامه دهخدا درج شده و آن را در جای خود آورده‌ایم.

از نظر معیشت، تنها به حقوقی اکتفا و به یک زندگی ساده بستنده کرده است و هرگاه در دستگاه حکومت مسؤولیتی نداشت، به درآمد محدود نویسنده‌گی قناعت می‌کرد، ضمن آنکه خوب می‌پوشید و خانه‌ا او پیوسته مرکز تجمع اهل فضل و ارباب نیاز بود. وصیت نامه او نمونه‌ای است از زندگی ساده و بی تکلف او، بویژه که هر چه داشت

پس از مرگ به مستخدمانش اختصاص می‌یافتد. دشتی اهل مطالعه بود. یک سوم از اوقات او دقیقاً به مطالعه می‌گذشت. کتاب‌هایی را دوست می‌داشت و مطالعه می‌کرد که با حوزهٔ ذوقی او سازگار بود: رمان، رمان پلیسی، تاریخ، ادب، عرفان، طنز و سرگذشت مردان بزرگ تاریخ. یادداشت‌هایی که شاعران، ادیبان و هنرمندان در چنگ‌های او نوشته‌اند، ذوق سليم او را نشان می‌دهد، چه نوشتۀ سست را نمی‌پسندید. فرق نمی‌کرد که آثار مورد علاقهٔ او فارسی باشد، یا عربی و فرانسه، همه را بدقت می‌خواند. از مقاله‌های مجله‌ها آنچه می‌پسندید می‌خواند و اگر خوب و ناب بود، با پاسخی تشویق می‌کرد و اگر نمی‌پسندید بر می‌آشفت و مدیر مجله را به نکوهشی متوجه می‌ساخت. دوستان خود را نگاه می‌داشت و پیوند خود را از آنها در هر کجا که بودند نمی‌گست.<sup>۱۲</sup>

همه صاحبان ذوق، هنر و ادب، عصرها و جمیعه‌ها گرد او حلقه می‌زندند و نکته‌های نظر ادبی، تاریخی و هنری و خاطرات دلنشیں اجتماعی بمیان می‌آمد. شایسته است بدین نکته نیز اشاره کنم که در بهار سال ۱۳۷۹ آقای مهندس هوشنگ اتحاد به تدوین مجموعه‌ای زیر عنوان «پژوهشگران معاصر ایران» می‌اندیشید. از من می‌خواست که دربارهٔ زندگی نامه و آثار شادروان دشتی مطلبی فراهم کنم. پس از یک سال این فرصت دست داد و نوشتۀ‌ای بالغ بر ۶۰ صفحه در این مورد فراهم آمد و برای درج در آن اثر ارجمند حضورشان ایفاد شد. از آنجا که صفحات آن اثر محدود بود و برای مقصدی خاص تألیف می‌شد و بنا هم بر اجمال بود، درخواست ارجمند آن دوست گرامی، انگیزه‌ای شد تا یادداشت‌های پرآگنده خود را حول محور کتاب حاضر سر و سامان دهم و بر اساس طرحی که در ذهن داشتم، فصل‌هایی را بر آن نوشته بیفزایم. از رهگذر حقشناسی سزاوار است از همت بیکران ایشان و سعی مشکورشان در ایجاد این انگیزه با اخلاص تمام سپاسگزاری کنم.

در این اثر، نخست نقد حال دشتی و احوال شخصیه او آمده است. سپس از آثار وی و مقاله‌هایی که در باب این آثار انتشار یافته است فهرستی جامع ارائه شده است.

نوع نثر دشتی را به شش دسته تقسیم و از هر نوع، نمونه‌هایی بدست داده‌ایم. از مزایای این اثر، آوردن رأی صاحب‌نظران دربارهٔ آثار دشتی است که با رعایت اجمال چکیدهٔ هر مقاله آمده است و خواننده به آسانی می‌تواند تمامت آن مقاله را با توجه به نشانی دقیق آن که در فهرست مقاله‌ها مندرج است، بباید و بخواند.

یکی از جاذبه‌های این اثر، آوردن خاطره‌های شخصیت‌های ادبی، هنری و اجتماعی است و چند خاطره از خود نگارنده و نقدی از دو دانشجوی دوره دکتری و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، مستخرج از پایان نامه‌های تحصیلی آنان. خاطره‌هایی بسیار از دوستان دشتی و ارباب فضل در ایران و کشورهای دیگر جهان هست که هنوز دریافت نکرده‌ایم و امید است آن همه را به چاپ بعدی این اثر بیفزاییم. برخی از گویندگان معاصر در رثای دشتی شعرهایی سروده‌اند که تعدادی از آنها در دسترس نگارنده بود. آنها را در بخش پایانی کتاب آورده‌ایم.

در پایان این مقدمه اقرار می‌کنم که این اثر را نارسایی‌ها و کاستی‌هایی است. اگر نگارنده می‌خواست چنین اثری را بی هیچ نارسایی و کاستی انتشار دهد، تعلیق به محال بود و شاید چنین زمانی هرگز فرانمی‌رسید. آنچه در این مجموعه آمده است از رهگذر اخلاق و برکنار از هر شایبه ایست و اگر نظری مخالف، ولی مخلصانه و مستند به شواهد منطقی و اصیل باشد، بسی خورسند است که آن را بپذیرد و هر اشتباهی جبران شود.

از آن لحظه که تصمیم گرفتم این اثر را به جامعه ایران تقدیم کنم، از خدای بزرگ خواستم مرا یاری دهد تا گزارشگر حقیقت باشم.

همدلی همه افراد خانواده، بویژه برادرم صدرالدین ماحوزی و کیل دادگستری و نیز دوستان و یاران بزرگوار و همشهريان عزيز، در نیل بدین مقصود مایه بسی خوشوقتی است.

از مرکز نشر و تحقیقات قلم آشنا و مدیر سختکوش و گرامی آن، بویژه سعی مشکور پژوهشکار جوان پرتوان کاردان دکتر حمیدرضا ماحوزی و همکاران مُخلص این مؤسسه محترم از جمله خانم موسوی که مجموعاً در تدوین و چاپ و انتشار این اثر رنج فراوان برداشت و در این رهگذر دشواری‌های کار را بمن آسان ساختند و نیز از آقای مهندس علیرضا حیرتی در طراحی هنرمندانه جلد این اثر از صمیم قلب سپاسگزارم.

دکتر مهدی ماحوزی

۲۶ دی ماه ۱۳۸۰

## دشتی در تاریخ و ادب معاصر ایران

### نقد حال و آثار او

علی دشتی در فروردین ماه ۱۲۷۳ شمسی در شهر کربلا از شهرهای عراق عرب پایی به جهان نهاد. او فرزند شیخ عبدالحسین دشتی است و نوه آخوند ملا عباس دشتی که از روحانیان مشهور خطه دشتی بوده‌اند.

جد دشتی آخوند ملا عباس در سن ۲۵ سالگی به عراق عزیمت کرد و برای تحصیل علم در شهر کربلا سکونت گزید و همانجا با زنی از خاندانی ایرانی و روحانی ساکن کاظمین ازدواج کرد و تنها یک فرزند - شیخ عبدالحسین - حاصل این ازدواج است. آخوند ملا عباس که مجاور اعتاب مقدسه کربلا شده بود، در زمرة روحانیان صاحب عنوان شناخته آمد.

تنهای فرزند آخوند ملا عباس، شیخ عبدالحسین دشتی نام دارد که در کسوت روحانیت بود و مراتب علمی را تا سطح دوم گذرانید و سپس در همان کربلا با زنی به نام مریم از خاندان‌های روحانی دشتی ساکن کربلا ازدواج کرد. نتیجه این ازدواج ۳ پسر و ۲ دختر بود که بزرگترین آنها علی دشتی و دو پسر دیگر محمد دشتی و عبدالله دشتی نام دارند. علی دشتی در حوزه علمیه کربلا و نجف تحصیل کرد و آن دو دیگر تحصیلات عالی خود را در کربلا و دانشگاه بیروت به پایان برندند و صاحب تألیفند. همه این فرزندان ذکوراً و اناناً تا اوان جوانی در این شهر پرورش یافته و سپس به ایران آمدند. محمد دشتی در وزارت فرهنگ آن زمان، موقعیتی ارجمند یافت و کتابی ارزشمند در تعلیم و تربیت نگاشت. عبدالله دشتی مهندس معرفت الارض و از پایه گذاران شرکت نفت جنوب بود. سپس به امریکا رفت و کتاب «نه سال در آمریکا» نوشت. شیخ عبدالحسین دشتی پس از درگذشت همسر اول، همسری دیگر اختیار کرد که نتیجه این ازدواج یک پسر به نام پرویز دشتی و دو دختر است که تا سنین نوجوانی در کربلا پرورش یافتنند. شادروان پرویز دشتی از دبیران صاحب نام در قلمرو

وزارت آموزش و پرورش ایران بشمار می‌رود. همهٔ فرزندان مرحوم حاج شیخ عبدالحسین دشتی به جوار رحمت الهی پیوسته‌اند و نواده‌های شایسته آنان بیشتر در ایران بسر می‌برند و منشاء خدمات فرهنگی و اجتماعی هستند. برخی نیز در خارج از ایران به کارهای علمی، فنی و اجتماعی اشتغال دارند.

توضیح: دشتی سه خدمتکار داشت. که از آن میان محمد خاقانی در قید حیات است. دشتی  $\frac{1}{3}$  اموالش را طبق وصیت نامه رسمی به فرزندان آنها بخشید. شمار این مستخدمان و فرزندان و نوادگانشان به بیش از ۲۰ نفر می‌رسید و همهٔ آنها را دشتی در خانه خود اداره می‌کرد.

دشتی تحصیلات ابتدایی خود رادر مکتب‌های قدیمی کربلا گذرانید و سپس به حوزه علمیه کربلا و نجف پیوست. فقه و اصول را در محضر حاج سید حسین فشارکی از مجتهدان بزرگ آن حوزه فراگرفت و کفایه مرحوم آخوند را نزد مرحوم حاج شیخ عبدالکریم یزدی بپایان برد.

او در سن ۲۴ سالگی و در اواخر جنگ بین الملل اول (پاییز ۱۲۹۷) همراه خانواده به ایران آمد و حدود یک سال در صفحات دشتی و دشتستان اقامت گزید و بیشتر این ایام در منزل داماد پدرش آیة الله شیخ محمد حسین مجاهد برازجانی - پرچمدار مبارزه علیه دولت استعمارگر انگلستان در جهاد مردم تنگستان، دشتی و دشتستان - بسربرد. سپس به شیراز آمد و به دعوت آیة الله حاج شیخ یوسف حدائق شیرازی نماینده دوره اول مجلس شورای ملی و همدوره تحصیلی شیخ محمد حسین مجاهد برازجانی، در شیراز اقامت گزید و پس از دو ماه توقف، راهی اصفهان شد و با سید محمد باقر دُرچه‌ای که از عالمان آزاده و مشهور اصفهان بود، انسی تمام یافت.

در اصفهان خبر انعقاد قرارداد شوم ۱۹۱۹ و ثوق‌الدوله مندرج در روزنامه رعد به مدیریت سید ضیاء الدین طباطبائی انتشار یافت. تاثر شدید دشتی از مفاد قرارداد، وی را به تهران کشانید و در نهضت ضد قرارداد شرکت کرد و تحت نظر مرحوم مدرس با همکاری تنی چند از آزادگان آن روز چون فرجی، هژیر، فدایی علوی و شیخ حسین تهرانی شب نامه‌هایی تندو آتشین علیه قرارداد و ثوق‌الدوله در زمستان ۱۲۹۸ منتشر ساخت. بر اثر این رشادت، در تابستان ۱۲۹۹ به دستور وثوق‌الدوله توقيف و هشت روز در محبس شماره (۲) شهریانی زندانی و سپس به قزوین، همدان و کرمانشاه تبعید گردید. دشتی در کابینه سپه‌دار به تهران آمد و پس از یک هفته تحمل زندان در فوج سوار، بر اثر وساطت سید محمد صادق طباطبائی آزاد شد.

در سال ۱۲۹۹ کودتای سوم اسفند رخ داد. از روز سوم کودتا دشتی توقيف شد و تا